

کانون‌های بالقوه ضد انقلابی در ارتش را باید بیدار نگ منهدم کرد



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۲
یکشنبه ۷ بهمن ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۲

دروس کوب ضد انقلاب، مسامحه در برکنند ریشه‌های ضد انقلاب، عملاً به معنای فرستادن به ضد انقلاب برای سپنج نیرو و ایراد ضرب مهملک به انقلاب است.

بزرگترین خطری که هر انقلابی را تهدید می‌کند، ضد انقلاب مسلح است. نباید گذاشت که ضد انقلاب به هیچ طریق و وسیله‌ای مسلح گردد. بطریق اولی نباید ضد انقلاب مسلح را حفظ کرد، یعنی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب و تصرف قدرت حاکم، ارتش و نیروهای مسلح را باید فقط از عناصر فئال ضد انقلابی، بلکه از عناصر بالقوه ضد انقلابی نیز پاک کرد.

مقاومت خود می‌افزاید و تمام نیروی خود را برای شکستن انقلاب بسیج می‌کند، بتدریج که قدرت حاکم انقلابی گسترش می‌یابد، ضد انقلاب هاتر می‌شود و به تهاجم دست می‌زند، زیرا مرگ خود را نزدیک می‌بیند.

خلاصه، این قانون هر انقلابی را از جمله انقلاب ماست، که بعد از تصرف قدرت حاکم توسط نیروهای انقلابی، بتدریج نیرو بین انقلاب و ضد انقلاب شدت می‌گیرد و این شدت نبرد تا سر کوب کامل ضد انقلاب ادامه دارد.

تا این سر کوب کامل انجام نگرفته، خطر ضد انقلاب، خطر شکست انقلاب وجود دارد. فطنت

انجام میگرفت و مسافانه بر اثر مسامحه و سازشکاری دولت موقت انجام نگرفت، اکنون که امپریالیسم آمریکا با تمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات و عوامل خود، به تلاش تب‌آلودی برای شکست انقلاب ما پرداخته، مسئله حاد و وظیفه مبرمی است، که متلن در انجام آن نتایج هولناکی برای انقلاب در بردارد.

این قانون هر انقلابی، از جمله انقلاب ماست، که پس از تصرف قدرت حاکم توسط نیروهای انقلابی، ضد انقلاب درصدد باز پس گرفتن قدرت حاکم بر می‌آید، بتدریج که قدرت حاکم انقلابی تثبیت میشود، ضد انقلاب به

انقلاب مسلح، وجود ضد انقلاب مسلح، یعنی وجود خطری جدی برای انقلاب. بنابراین وظیفه انقلابی حکم می‌کند که مقامات مسئول به این خطری جدی توجه جدی و فوری کنند و با احساس مسئولیت کامل، بدون لحظه‌ای درنگ، با قاطعیت و دقت، ارتش را از تمام عناصر فئال و پافوتی، تمام عناصری که چشم انتظار آمدن به «گنجه» دوخته‌اند، تمام عناصری که به انقلاب و پیروزی آن برکت آن باور ندارند، پاک کنند.

پاکسازی ارتش، که بلافاصله پس از سقوط رژیم «شاهشاهی» میبایست بنحوی انقلابی و قاطع

و البته توطئه بزرگ ضد انقلابی در پایگاه هوایی تبریز و فرکت تعدادی از افراد بی‌اثر این واقعیت است که در ارتش و در نیروهای مسلح، پاکسازی بگونه‌ای که لانه‌های ضد انقلاب را در ارتش منهدم کند، هنوز صورت نگرفته است.

بسیار تیرگی، توطئه ضد انقلابی در پایگاه هوایی تبریز نشان میدهد که در دیگر پایگاهها و پایگاههای نظامی، کانونهای بالقوه ضد انقلابی هنوز وجود دارد.

وجود کانونهای بالقوه ضد انقلابی در ارتش، یعنی وجود ضد

چرا وزارت خارجه میخواهد وزارت خارجه را بی اعتبار کند؟

دولت در صحنه بین‌المللی و باین معنا خود دولت است. دولت جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی از زبان وزارت خارجه سخن می‌گوید و از طریق وزارت خارجه با دیگر کشورها رابطه می‌گیرد، بوسیله این وزارتخانه سیاست خارجی خود را اعمال می‌کند.

چگونه میشود که آقای قطب‌زاده، بی‌اعتنا باین نقش پر مسئولیت وزارت خارجه، هر روز سخن می‌گوید، اعلامیه صادر می‌کند، تصمیم‌ها را دارد بداند که وزارت خارجه کدام سیاست را بطور کلی، چه سیاسی رانست بهر کشور شخص، چه سیاست شخصی را نسبت به مقصد آن چیست؟ آیا تکرار این فعالیت‌ها را میتوان فقط ناشی از «ندام‌کاری» دانست؟

ماز آقای قطب‌زاده، بمنوان وزیر خارجه، می‌خواهیم که به این مامیخواهیم که وزارت خارجه مامیخواهیم که وزارت خارجه را بی اعتبار باشد، هر سخن آقای وزیر خارجه هستند، سنجیده، تین و بر مبنای یقین به صحت آن باشد.

ما می‌خواهیم که هر تصمیم هر عمل وزارت خارجه مبتنی بر اصول ممدون شی سیاست خارجی، همراه با دوراندیشی باشد.

مردم میخواهند بدانند و حق دارند بدانند که وزارت خارجه کدام سیاست را بطور کلی، چه سیاسی رانست بهر کشور شخص، چه سیاست شخصی را نسبت به مقصد آن چیست؟ آیا تکرار این فعالیت‌ها را میتوان فقط ناشی از «ندام‌کاری» دانست؟

ماز آقای قطب‌زاده، بمنوان وزیر خارجه، می‌خواهیم که به این مامیخواهیم که وزارت خارجه مامیخواهیم که وزارت خارجه را بی اعتبار باشد، هر سخن آقای وزیر خارجه هستند، سنجیده، تین و بر مبنای یقین به صحت آن باشد.

بنامست که ابتدا قابل توجه و قابل تیره نیست و لذا باعث میشود که انواع سئوالات برانگیزد. وزارت خارجه، شهرداری فلان شهر نیست که امروز اعلام کند که میخواهد فلان طرح ترافیک را پیاده کند و در اینگونه که، عملی نیست تازه شهرداری که چنین عمل کند، از اعتبار ساقط غیر قابل جبرانی به اعتبار دولت جمهوری اسلامی و به انقلاب ایران وارد آمده است.

وزارت خارجه یکی از مهمترین وزارتخانه‌ها در دستگاه دولتی، زبان در افتکار عمومی، چه داخلی و چه خارجی، از اعتبار می‌اندازد؟ آیا معلوم نیست وقتی وزارت خارجه نظیر وزارت خارجه، که در عمل حرف جمهوری اسلامی ایران، کار گزار دولت جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی است، از اعتبار ساقط شود، لطمه غیر قابل جبرانی به اعتبار دولت جمهوری اسلامی و به انقلاب ایران وارد آمده است.

وزارت خارجه یکی از مهمترین وزارتخانه‌ها در دستگاه دولتی، زبان در افتکار عمومی، چه داخلی و چه خارجی، از اعتبار می‌اندازد؟ آیا معلوم نیست وقتی وزارت خارجه نظیر وزارت خارجه، که در عمل حرف جمهوری اسلامی ایران، کار گزار دولت جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی است، از اعتبار ساقط شود، لطمه غیر قابل جبرانی به اعتبار دولت جمهوری اسلامی و به انقلاب ایران وارد آمده است.

این روزها موضوع استرداد شاه مخلوع ورد زبانست. ولی هیچکس بدسترنیداندونمی‌تواند به‌ضمانت بگوید که: آیا شاه مخلوع بازداشت شده یا نشده، مسترد خواهد شد یا نخواهد شد، آنچه را که وزارت خارجه در این مورد اعلام داشته خدمت است یا نیست؟

بروشنی احساس میشود که مردم انتظاری برای گفته‌های وزارت خارجه قائل نیستند و گمان این ناپایداری بر عهده مردم نیست، بر عهده وزارت خارجه است که «گویی کار وزارت خارجه را جدی نگرفته، آرا بی‌بازی گرفته است.

آقای قطب‌زاده بمنوان وزیر خارجه مسامحه میکند و طوطی‌صافی اعلام میکند که: «تاکتیک شوروی در دوزخ ایران و افغانستان ترکیز یافته‌اند و این ترکیز را در نظر مستقیم» علیه ایران میدانند.

سپس معلوم میشود که بنیای اظهار نظر آقای وزیر خارجه «خبر» خیر گزار امریکائی یونایتد پرس است، که سبب تکذیب میشود.

وزارت خارجه پس مبنای «سناریوی تبریز- مکزیک» دست با قدم میزند و کار را بجائی میرساند که بدولت اقتصاد شوروی یادداشت اعتراض تسلیم میکند. ولی سپس معلوم میشود که هم او را که در تبریز باضام دفتر امام پخش شده جعلی بوده و هم «خبری» که خیر گزار فرانس در باره اظهارات کاردار سفارت شوروی در مکزیکو پخش کرده، کذب محض بوده است.

آقای قطب‌زاده اعلام میکند که نماینده ایران در کنفرانس وزیران کشورهای اسلامی، در پاکستان شرکت خواهد کرد و هنوز قلم روزنامه نگار برای تفسیر شرکت دولت جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس به حرکت در نیامده، که آقای قطب‌زاده اعلام میکند که نماینده ای از ایران به این کنفرانس اعزام نخواهد شد. سفير ایران در پاکستان بمنوان «ناظر» در کنفرانس شرکت خواهد کرد. پس از آن، با اعلام میشود که اصولاً هنوز تصمیمی در مورد نحوه شرکت با عدم شرکت ایران در این کنفرانس اتخاذ نشده است. و دیروز دوباره آقای قطب‌زاده اعلام کرد که هشت نمایندگی ایران به کنفرانس خواهد رفت. این چگونه وزارت خارجه است؟ آیا وزارت خارجه یازی میکند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رابه بازی گرفته است؟ آیا

بدون شرح

* «سلم است این چنین کنفرانس، که به ظاهر سران کشورهای اسلامی در آن گرد هم می‌آیند، مورد تأیید ملت‌ها نخواهد بود. شرکت ایران در این کنفرانس آمریکائی ندانسته یا نهادن در توطئه‌ها و طرح‌های سلسله‌وار و زنجیره‌ای آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران به منظور جلوگیری از انفجارها و انقلابیای متعاقب آن در منطقه است.»

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

* «شرکت نماینده دولت موقت در این کنفرانس با اصطلاح اسلامی، حتی بصورت نظر نیز قابل توجه نیست. حضور ما در آن به مثابه پذیرش نمایندگی نوکران نامبرده (امپریالیسم آمریکا) از طرف مردم کشورهای مسلمان تلقی خواهد شد. نسبت بر سر نیز مذاکره با دشمنان اسلام خواهد شد که انقلاب اسلامی ایران، بزرگترین حامیان خود، یعنی همان مردم مستضعف و متحت ستم منطقه و مسلمان را از دست بدهد.»

از نامه سرگشته مجاهدین انقلاب اسلامی به قطب‌زاده

* «آیا... در آمریکائی بودن این کنفرانس می‌توان شک کرد؟ آیا شرکت ایران در این کنفرانس بهر عنوان و در هر سطحی از مقامات ایرانی، حتی بمنوان ناظر، بر سمیت شناختن این حرکت ارتجاعی نیست؟»

«جمهوری اسلامی»، ۶ بهمن ماه ۱۳۵۸

* «ایران در کنفرانس وزیران امور خارجه اسلامی در اسلام آباد، که تاریخ آن از روز شنبه ۲۶ ژانویه... به روزیکشنبه ۲۷ ژانویه... تغییر کرده، شرکت خواهد کرد.»

قطب‌زاده، وزیر امور خارجه

در صفحات بعد

در زمینه طرح مسئله ملی در ایران امروز

- اجراء، خدمت - نقدی بر اجراء نماینده دگوشه نشینان آلتونا در تناثر سنگلی
- تکاپوی امپریالیسم را کوچک نگیریم
- سی‌امین سال تاسیس حزب کمونیست بولیوی
- سیاست خارجی دولت، ۲ گانه است
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، «کنفرانس اسلامی» در پاکستان را به عنوان یک نقشه آمریکائی محکوم میکنند
- آندره گرومیکو: فقط دشمنان ایران و کسانی که نمی‌خواهند مناسبات شوروی و ایران حسنه باشد، در پخش اکاذیب ذی‌نفعند
- بیرون کارمل اظهار امیدواری کرد که کوششهای وی برای بهبود روابط با ایران به نتیجه مطلوب برسد

بهرنگ کارمل، رهبر جمهوری دموکراتیک افغانستان، در مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که افغانستان همیشه یک کشور مسلح-دوست، مستقل و غیر متعهد خواهد بود. بهرنگ کارمل، ضمن ابراز آمادگی برای برقراری روابط دوستانه با ایران و پاکستان، اظهار اطمینان کرد که ایران از اختلافات افغانستان با نظرمشیت استقبال خواهد کرد.

وزارت خارجه پس مبنای «سناریوی تبریز- مکزیک» دست با قدم میزند و کار را بجائی میرساند که بدولت اقتصاد شوروی یادداشت اعتراض تسلیم میکند. ولی سپس معلوم میشود که هم او را که در تبریز باضام دفتر امام پخش شده جعلی بوده و هم «خبری» که خیر گزار امریکائی یونایتد پرس است، که سبب تکذیب میشود.

وزارت خارجه پس مبنای «سناریوی تبریز- مکزیک» دست با قدم میزند و کار را بجائی میرساند که بدولت اقتصاد شوروی یادداشت اعتراض تسلیم میکند. ولی سپس معلوم میشود که هم او را که در تبریز باضام دفتر امام پخش شده جعلی بوده و هم «خبری» که خیر گزار امریکائی یونایتد پرس است، که سبب تکذیب میشود.

دعای من

صبح از سینه‌دم
وقتی که خانواده‌ام را از خواب بیدار میکنم
در کسب نان و آب حلالی به وسع خویش
من کار میکنم.
با دشمن بزرگ
در هر کجا که هستم و هر جبهه‌ای که هست
بیکار میکنم
همراه با خلائق
هم راه میروم
هم رای میدهم.
جان را ز عشق آینه کردار میکنم.
با کوچک و بزرگ
دارم نشست و آمد و رفت و بگو مگو
آری کلام حق را
در کوه‌ها و برزن و میدان شهر و ده
تکرار میکنم.
وان روز اگر رسد
جان را براه حق ایتار میکنم
اینگونه‌ای خجسته، ترا میدهم ثنا
اینگونه، ای امام، ترا میکنم دعا

سیایش کسرای

شانزدهمین سالگرد درگذشت رفیق میرزا محمد کریمی مظهر دهقان مبارز ایران را گرامی بداریم

یازدهم بهمن امسال مصادف است با شانزدهمین سالگرد درگذشت رفیق میرزا محمد کریمی، دهقان آزاده و مبارز گلدسته، رزمنده خستگی‌ناپذیر راه استقلال و آزادی میهن و آرمانهای والای بشری. که در صف حزب توده ایران علیه اربابان بزرگ و نظام فئودالی، علیه امپریالیستهای شارتگر و بساط سلطنتی محمدرضا سردانه رزمید و مظهر دهقان مبارز ایرانی بدل شد.

برای گرامیداشت خاطره این رفیق مبارز، از همه رفقا و دوستان، بویژه از دوستان دهان اطراف دعوت میشود که در روز پنجشنبه ۵۸/۱۱/۱۱، ساعت ۳ بعد از ظهر، در مراسمی که به مناسبت بر سر مزارش برگزار میشود، شرکت نمایند.

آدرس: جاده ساوه - چهار دانگه - امامزاده عباس وسیله نقلیه روز پنجشنبه ساعت یک بعد از ظهر، اول خیابان فروردین (قاطع خیابان انقلاب) آماده خواهد بود.

الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطئه‌گر، خدمت است به رونه، اقتصاد کشاورزی و خدمات

سیاست خارجی دولت دوگانه است

دولت موقت با اعزام نماینده‌های کفترانس، دوگانگی سیاست خارجی خود را به اثبات رساند. سوی دیگر نماینده خود را به ازبکستان و افغانستان اعزام کرد و امید جنبش‌های آزادیبخش جهانی بوده، نمایندگان آنان را با آغوش باز می‌پذیرد (جنبش‌های آزادیبخش جهانی و سرنگون کردن رژیم‌های سلطه و ظلم منجمله)

«نماینده‌های انقلاب اسلامی» طی نامه سرگشاده‌ای به قشربازان، وزیر امور خارجه کفترانس اسلامی در پاکستان را کفترانس دشمنان اسلام خواندند. در این نامه از جمله آمده است:

... نمایندگان دولتهای که در کفترانس کشوری اسلامی شرکت میکنند، نه تنها نماینده ملت‌های مسلمان نیستند، بلکه از خطرناکترین دشمنان اسلام به‌شمار می‌روند. اینان نوکران و فاسقان مستکبرین و طاغوت‌های جهانند. آیا سبزی رژیم انورالسادات با امریالیسم غرب و سوسیالیسم بین‌المللی بزرگترین ضربات را بر آردن ملت‌های مسلمان منطقه بخصوص فلسطین زده‌است؟ آیا رژیم‌های وابسته‌ای چون انورالسادات، ملک‌خالد، صدام حسین، ملک حسن، ملک حسین، شیخا... را میتوان نمایندگان ملت‌های مسلمان کشورشان دانست؟

اینان نمایندگان قدرتهای سلطه جهانی هستند که با زور و خفقان بر ملت‌های تحت ستم حاکم شده‌اند. باید توجه داشت که اساسی‌ترین دشمنی دولت‌های سوسیالیستی ایران، (که شما وزیر امور خارجه آن هستید) میبایستی در جهت مبارزه با این مزدوران ابر-قدرتها باشد. شرکت نماینده دولت موقت در این کفترانس به اصطلاح اسلامی حتی بصورت ناظر نیز قابل توجه نیست. حضور ما در آن به مثابه پذیرش نمایندگی نوکران نابرده از طرف مردم کشورهای مسلمان تلقی خواهد شد. نخستین بر سر میز مذاکره با دشمنان اسلام سبب خواهد شد که انقلاب اسلامی ایران بزرگترین حایان خود، یعنی همان مردم مستخلف و تحت ستم منطقه و مسلمانان را از دست بدهد.

آندره گرومیکو: فقط دشمنان ایران و کسانی که نمیخواهند مناسبات شوروی و ایران حسنه باشد، در پخش اکاذیب دینفند

هدف پهنایی شایعه‌سازی ناروا در باره اینکه گویا اتحاد شوروی در مورد ایران مقاصد مفرضانه‌ای دارد. مطبوعات شوروی بارها شایعات دروغین را تکذیب کرده و منشاء شایعه‌سازی را فاش ساخته‌اند. چنین به نظر می‌آید که این مطلب سریع و روشن است، ولی ابطل شد شوروی هنوز هم پشیمان شده و ظاهراً علاقه‌مندی هم پیدامی‌کند. اگر بخوایم سرپوش بگویم، یکی از علل عمده آن...

آندره گرومیکو، وزیر امور خارجه شوروی در تظلمی که به مناسبت دیدار وزیر امور خارجه بلغارستان از اتحاد شوروی ایراد کرد، از جمله گفت:

کشورهای امریالیستی همچنان سابقه تبلیغاتی را شدت می‌دهند تا از این راه برتری نظامی برای خود قلمی کنند، دیگر کشورها را زیر سلطه خود در آورند و در راه پیشروی ملت‌ها بسوی استقلال...

دانشجویان مسلمان پیر و خط امام «کفترانس اسلامی» در پاکستان را بعنوان يك نقشه امریکالی محکوم میکنند

کفترانس اسلامی در آن گرد هم می‌آیند، مورد تأیید ملت‌ها نخواهد بود. شرکت ایران در این کفترانس امریکالی نشاندهنده با نهادن در توطئه‌ها و طرح‌های سلسله‌وار و زنجیره‌ای امریکالی علیه انقلاب اسلامی ایران به منظور جلوگیری از انفجارها و انقلاب‌های متعاقب آن در منطقه است. ملت غیور ما پس از پیروزی انقلاب از این نمونه‌ها بسیار دیده، ولی با قاطعیت انقلابی با آن برخورد کرده است. ملت ما موضوع خود را در برابر ملاقات دولتمردان سابق ایران با برزیلکی نشان داد.

دانشجویان مسلمان پیر و خط امام طی اطلاعیه‌ای درباره «کفترانس اسلامی» در پاکستان از جمله می‌نویسند:

... این روزها اخباری از تشکیل يك کفترانس از سران کشورهای اسلامی در پاکستان می‌رسد... هدف از چنین کفترانسی باری کردن یا سر نوشت ملت‌های مستخلف و حینیت انقلابی ملت ایران و لکه‌دار کردن انقلاب اسلامی و منحرف و تسلیم نشان دادن آن در افکار و اذهان عمومی جهان میباشد. بزرگترین اثر مطلوب این طرح برای امریکا این است که به خیال باطل خود، اذهان مسلمین منطقه و ملت‌ها را نسبت به خود منحرف کرده و متوجه شوروی کند و خط انقلابی امام را در برخورد با دشمن سرسخت اسلام و مسلمین، که همان امریکاست، منحرف سازد.

منتشر شد:

پرسش و پاسخ درباره مشی سیاسی حزب توده ایران (بخش دوم)
نورالدین کیانوری

اخبار از صدای جمهوری اسلامی

در جریان آخرین رویدادهای خراسان در تهران داد...
گرومیکو، دکتر ممکن گفت ما در این مدتی که از انقلاب اسلامی ملت‌ها می‌گذرد، اعتقاد پیدا کرده‌ایم که رساله‌های شوروی امریالیستی نمیتواند با ملت‌های کهنه‌گمان حکومت و تصمیم‌گیران جهان‌نوا راه‌ها هم‌گام نباشند...
اربابان رسانه‌های گروهی (غرب) خبر را به دلخواه تفسیر میکنند و قلب و آفتاب می‌کنند.
... به‌دست چند سلطه، حکام گرومیکو، ما را...

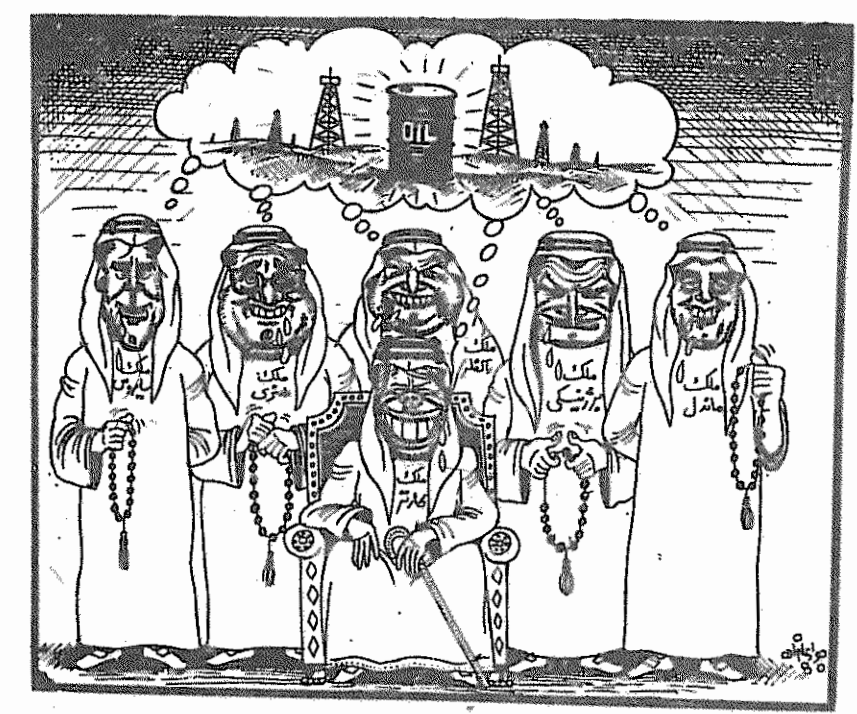
امریالیسم آمریکا همچنان به تقویت حضور نظامی خود در اقیانوس هند و دریای عمان ادامه میدهد.

تلاش برای نظامی کردن این مناطق، که هدف آن ضربه زدن به انقلاب ایران و سرکوب جنبش آزادیبخش منطقه است، توسط امریالیسم آمریکا افزایش یافته است. بنا به گزارش‌های رسمی، اکنون حدود سی کشتی جنگی آمریکا، از جمله چند ناو جنگی هسته‌ای در اقیانوس هند و دریای عمان مستقر شده‌اند. ناو هواپیمابر نیپتون نیز وارد منطقه شده است. از سوی دیگر گروهی از کارشناسان نظامی آمریکا برای دیدار از بندر و فرودگاه‌های سوماترا، کبیا، عمان و عربستان راضی این کشور شده‌اند. گت می‌شود که چند کشتی جنگی امریکالی از چند هفته قبل در بندر بریرا در سوماترا می‌رسند. رژیم‌های سرسود سوماترا، کبیا، عمان و عربستان آمادگی خود را برای همکاری با امریالیسم آمریکا اعلام کرده‌اند.

کارگران شرکت گچان ایلام چه می‌خواهند

کارگران شرکت گچان ایلام طی نامه‌ای که به دفتر امام و روزنامه‌ها ارسال داشته‌اند، خواستار برخورداری از حقوق در قانون کار برای کارگران پیش‌بینی شده‌است، شده‌اند. آنان از مسئولین اداره کار و امور اجتماعی استان ایلام خواسته‌اند که نسبت به احقاق حقوق و رسیدگی به خواست‌هاشان اقدامات قاطعی بعمل آید.
کارگران، که همگی سابقه چندسال کار در شرکت مزبور دارند، خواست‌های خود را بشرح زیر مطرح نموده‌اند:
۱- برخورداری از مزایای بیمه درمانی،
۲- هشت ساعت کار در روز،
۳- پرداخت اضافه‌کار،
۴- تعطیل روزهای جمعه با حقوق.

حمایت آمریکا از رژیم آل سعود فقط به نفع حفظ منافع استعماری در منطقه است



آل دکارت...!! (کبیا، ۶ بهمن ماه ۱۳۵۸)

خوانندگان گرامسی
میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با مردم مکاتبه کنند

فرانسه: Rival Albert 75100 BP 75001 Paris France

سوئد: Box 27y30 30251 Stockholm

ایتالیا: Shamo Via G Vincon, 44 Ostia (Roma) Tel 6614022 (TUDH)

آیا در امریکالی بودن کفترانس اسلامی، پاکستان می‌توان شک کرد؟

۱- وزیر خارجه چین به پاکستان سفر می‌کند.
۲- وزیر خارجه انگلیس و دو تن مشاورین وی به منطقه سفر می‌کنند.
۳- معاون وزیر خارجه انگلیس با امیر بحرین ملاقات می‌کند.
۴- راکفلر رئیس بانک جیس مناهاتان با سلطان حسن شاه مراکش دیدار می‌کند.
۵- وزیر خارجه آمریکا به‌طور گری سیاسی می‌پردازد.
۶- کاتر یک پیام فوری برای سلطان حسن مخاطب می‌کند.
۷- معاون وزیر خارجه آمریکا به پاکستان سفر می‌کند.
۸- کشورهای مترجم منطقه که در برابر هیچ امریکالی علیه ایران سکوت کرده بودند، به‌ظن اوضاع افغانستان از خواب خروکی بیدار میشوند.
۹- بلافاصله پس از این قتل و انفصالات اعلام میشود که یک کفترانس اسلامی در پاکستان تشکیل میشود.
آیا شرکت ایران در این کفترانس می‌تواند شک کرد؟ ایرانی حتی بعنوان ناظر، برسمیت شناختن این حرکت اجتماعی نیست؟ آیا این تلاشی از سوی آمریکا برای احیای یک پیمان استعماری...

با وجود کارشکنی بعضی از اعضای شورای ده، دهقانان زمینهای غصبی مالکان را گرفته و کاشتند

روستای «گل‌تپه کبیر» دارای ۱۱۵ خانوار است. این ده حمام و مسجد و مدرسه دارد، ولی شبکه برق آن ناتمام است. زمینهای زراعی این ده را چند مالک غاصب در اختیار داشتند، ۳ دانگ، یعنی نصف زمینها را شخصی بنام «میرمطهری» صاحب شده بود و سه دانگ بقیه در تصرف افراد شهری دیگر به نامهای دکتر شقایب، حاج سیداحمد تهرانی، سرهنگ صدخان، تهرانی و داماد او - احمد مهدی - قرار داشت.

ابتدا یکی از کشاورزان این روستا بنام «اسماعیل الهودی» به اتفاق دهقانان دیگر، با وجود مزاحمت‌های پاسگاه و درگیریهای بسیار، دست حاج سید احمد تهرانی را از زمینهای غصبی کوتاه میکنند و در آن‌گندم می‌کارند. ده نفر دیگر از کشاورزان زمینهای دکتر شقایب را میگیرند و کشت میکنند. پس از این اقدام ابتکاری دهقانان، شورای ده نیز تصمیم میگیرد زمینهای مالکانی چون میرمطهری و سرهنگ صدخان و تهرانی و احمد مهدی را بین کشاورزان تقسیم کند، که به هر یک ۵ هکتار زمین میرسد. دهقانان این روستا عقیده دارند که ازینج نظر اعضای شورا، دو نفر آنان طرفدار مالک هستند و در مورد واگذاری زمین به دهقانان، به نفع ارباب و به زیان دهقانان لجابت و کارشکنی میکنند.

در حال اتحاد و همبستگی دهقانان میتواند همین قبیل مشکلات را از میان بردارد و دهقانان با همکاری و همیاری خود میتواند حاصل کار خود را با موفقیت درو کنند.

کانون‌های بالقوه ضدانقلابی در ارتش...

بقیه از صفحه ۱
کرد. نهادهای ضدانقلابی را در ارتش منحل ساخت، به‌نومانی ارتش پرداخت، ارتش خادم به انقلاب، معتقد به انقلاب بوجود آورد. در یک کلمه، ارتش را به‌پشت‌دک آرد. در واقعیت با کسب کرد و سپس با قاطعیت آن به اقدام جدی دست زد.

اینک ما لحظات حساسی را از سر می‌گذرانیم. امریالیسم آمریکا صدورده به هر قمتی شده انقلاب مارا به شکست بکشانند. ضدانقلاب داخلی، در رابطه با امریالیسم آمریکا با حدت‌شودت در کار تدارک‌ها جستجو است و بنا بر این سستی در برابر ضدانقلابی‌هاست برای انقلابگران تمام شود، دست دارد و این دلتی است صلح...

باید آنگاه که باید آنرا شنید، این زنگ خطر اعلام میکند که در دیگر پایگاهها و یادگاههای نظامی نیز کانون‌های بالقوه ضدانقلابی وجود دارد. قبل از اینکه این کانون‌های بالقوه خطر، به خطر باطل بدل گردند، باید آنها را خفتی کرد، باید آنها را منهدم نمود. علاج واقع قبل از وقوع باید کرد. و علاج واقع قبل از وقوع، پاکسازی است، نه سلطی، بلکه عمیق، نه نپه‌نپه، بلکه کامل، نه سرسری، بلکه دقیق، نه نوا با پشت‌گوش. اندازی، بلکه انقلابی، قاطع و فوری.

ما هشدار داده‌ایم، مکرر هشدار داده‌ایم و باز هم هشدار میدهم که ضدانقلاب در ارتش دست دارد و این دلتی است صلح...

امام: هر چه فریاد و تظاهرات دارید بر علیه امریکا انجام دهید

یونایتد پرس از واشنگتن گزارش داده است که دیپلمات‌های امریکالی اظهار امیدواری میکنند که ماجرای افغانستان و سرود صدائی که در این باره افشاده است، میتواند به کاهش تشنج روابط تهران و واشنگتن منتهی شود و این مسئله به‌نوبه خود راه‌های آزادی‌گروگان‌ها هموار سازد. «علائق» که میان تهران و واشنگتن مبادله میشود، چنین امیدی را در امریکائیان بیشتر دامن زده‌است! خبرگزاری امریکالی می‌افزاید، رادویی دولتی ایران روزشنبه (روزهای از دریافت بلاغت) تا آنجا پیش‌رفت که غیر مستقیم پاکستان را تشویق کرد کمکهای اقتصادی و نظامی امریکائی را بپذیرد.

حاشیه‌نویس به‌مقامات مسئول گوشزد میکند مسودی رفتار نکنند که واشنگتن آنرا یک «زست‌آشتی‌جویانه» و در نتیجه علامت...

در زمینه

طرح مسئله ملی در ایران امروز

برنامه حزب توده ایران آمده است: «ایران کشوری است کثیرالملسه و رسته‌های مختلفی خلقهای ساکن ایران را بهم پیوند میدهد. این خلقها طی فرهای متمادی تاریخ با یکدیگر سزوش مشرکی داشته‌اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و برآزنده ایران باهم همکاری کرده‌اند و در راه استقلال و آزادی متحد و دوشادوش هم فداکاریهای بسیار نموده‌اند. منافع اساسی خلقهای ایران در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع باهم در می آمیزد. ولی در نتیجه وجود ستم ملی همه این خلقها از حقوق حقه خود برخوردار نیستند. ستم ملی مانع تأمین اتحاد عمیق این خلقها و مانعی در راه ترقی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه جانبه کشور شده است.»

ایران جدائی ناپذیر است و هر س منکر وحدت آلی میا این درشود، هم درعلم سلفه کرده و هم درعلم بکوره راه شدافتلابی درغلطیده است. ال که در ایران در میان مبارزه عام ضد امپریالیستی و مبارزه خاص ضد ستم ملی پیوند آلی وجود دارد، باید باین شوال نیز پاسخ داد که اولویت با کدام یک از آنهاست؟ کدام یک از این دو مبارزه اصل است و کدام یک فرع؟ تعیین کننده کدام است و تابع کدام؟ احزاب و سازمانها و گروهها و شخصیتهایی که در رأس جنبشهای رهایی بخش خلقهای زیر ستم کشور قرار دارند و یا در این جنبشها شرکت میکنند، باید بدستی باین شوال پاسخ دهند، به پاسخی که می دهند صادقانه اعتقاد داشته باشند و طبق مقتضایاتی که منطقی از این پاسخ ناشی میشود، بطور یکپرو قاطع عمل کنند. زیرا فقط باین شرط است که آنها خواهند توانست به ایدئولوژی انقلابی جنبش رهایی بخش زیر ستم بی برند و این نیز روشن است که بدون ایدئولوژی انقلابی، عمل انقلابی امکان وجود ندارد، شوالی را که مطرح کرده ایم سریعتر و دقیقتر می کنیم، آیا از حکومتی که در دست بورژوازی شونیست و آنهم بورژوازی وابسته قرار داشته باشد، می توان حقوق ملی گرفت؟ و اگر در شرایط خاصی فرضاً بتوان رسماً چنین حقوقی را در روی کاغذ از این بورژوازی گرفت، آیا فردا در شرایط دیگری، در زیر سلطه همین بورژوازی، این حقوق، کدرسا مورد اعتراف هم قرار گرفته، شامل اجرائی خواهد داشت و این بورژوازی شونیست وابسته، حقوقی را که در شرایط خاصی پذیرفته است در شرایط مراعات خواهد کرد؟ جان مطلب در پاسخ این شوالهاست و باید همه احزاب، سازمانها و شخصیتهای دیملاق، بدور از هر گونه پیشداری و تمسب خاص، درباره این شوالها بپندشند.

پیدایش و قوام یافتن ستم ملی در ایران تاریخ و ویژگیهای مخصوص بخود را دارد. دوران ما قبل سرمایه داری - دورانی که شیوه تولید فودالی و اقتصاد طبیعی شکل عمده و تقریباً فراگیر تولید اجتماعی بود - ستم ملی به معنای معاصر آن وجود نداشت و نمیتوانست وجود داشته باشد. ولی با گام نهادن ایران در مرحله رشد مناسبات سرمایه داری، پیدایش تمرکز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران پدیدار گشت و بمسوا ذات افزایش سرعت رشد مناسبات سرمایه داری، این تمرکز گشت بیشتر و یافت و این تمرکز آغاز پیدایش ستم ملی در ایران به معنای واقعی خود بود.

این دولت جنبشهای کردستان و آذربایجان را سرکوب نازد دولت آمریکا برچم خود را از ایران برخواهد داشت. چنین تهدیدی برای شاه مخلوع و قوام وحیثت حاکم آنروز و طبقات و اقشار اجتماعی که دولت آنزوی ایران بر آنها متکی بود، بمنا تهیدید کنند کمربند تاجات از فرقی بود که در میان امواج خروشان طوفان با مرگ دست بگری بایست. شاه مخلوع و قوام بدستور امپریالیستهای آمریکا و انگلیس فرماندهی مستقیم زنیالهای آمریکائی و بطاطس منافع مشترک امپریالیسم و طبقات ایرانی وابسته به آن به کردستان و آذربایجان لشکر کشی کردند. در عین حال امپریالیستهای انگلیس، که آنروز هنوز دارای قدرتی بودند، دهها هزار ارتش خود را در خاور میانه و نزدیک برای مداخله در ایران بهال آماده باش درآوردند. اگر دستور و مداخله و شرکت مستقیم امپریالیستهای آمریکا و انگلیس نبود، هرگز شاه مخلوع و قوام یارادی چنین کاری را نداشتند. شاه میانه از پیشگروان و بهست فراموشی سیده شده. جنبش رهایی بخش کردستان ایران در سال ۱۳۲۵ برداخته اند اغلب علل این شکست را توضیح داده اند، ولی علت اصلی که همانا موجودیت دولت دست نشانده امپریالیسم در ایران و شرکت و مشارکت مستقیم امپریالیسم بوسیله همین دولت و زیرسروش همین دولت در سرکوب خلق کرد و مجموع جنبش انقلابی ایران بوده است، بهست فراموشی سیده شده.

ایران به پیروزی قطعی رسیده است. تاروزیکه طبقات طاغوتی با زیربنای اقتصادی و امکانات آشکار و نهان سیاسی وجود دارند، پایه ها و محمل های اجتماعی و خواهد داشت و امکان احیای نهادهای شیبه طاغوت نیز وجود خواهد داشت و امکان احیای نهادهای طاغوتی و از جمله ستم ملی موجود خواهد بود. رانجا بود که امام رهنش و روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرده از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تداوم انقلاب ایران بماند آمد و شکل گرفت و بشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از ایپایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوامع گم شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تا آخر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حساس رس نوشتن ساز تاریخ ایران وظیفه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توش و توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی کمک کنند و منشاء اجتماعی - اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

ولاً - تسریع رشد مناسبات سرمایه داری در ایران بدورانی تصادف کرده که سورت بندی سرمایه داری در مقیاس جهانی وارد مرحله عالی و نهائی خود، یعنی امپریالیسم گردیده، دوران انقلابی بورژوازی در جهان اصولاً سپری شده و دوران انقلابی سوسیالیستی و بحران عمومی سرمایه داری جهانی و گذار به از سرمایه داری سوسیالیسم آغاز گردیده بود. در چنین دورانی رشد مناسبات سرمایه داری در ایران، گرچه مواضع فودالیسم را در ناکشورما متزلزل میکرد و از یک سورت بندی اجتماعی و اقتصادی بیک سورت بندی عالی تر میسر میساخت و ولی خود نیز با وجود زمان، که محتوی آن گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم بود، مطلقاً نداشت. این مناسبات سرمایه داری در پرسیده، اگر از سوتی علیه فودالیسم بود، ولی از سوتی دیگر علیه جنبش انقلابی کارگری سوسیالیستی و جنبش رهایی بخش ضد امپریالیستی در میهن ما نیز بود.

این مسئله که تأمین استقلال و آزادی ایران به پیروزی ایران بر امپریالیسم و نجات کامل ایران از سلطه امپریالیسم و وابستگی بستگی مطلق دارد. نیازی بدلیل و اثبات ندارد. مطلب دوم نیز که رهایی خلقهای ستمدیده ایران از ستم ملی باین نجات کامل ایران از سلطه امپریالیسم و وابستگی بستگی مطلق دارد، برای کسانی که با چشم خرد و بصیرت در تاریخ دقت کرده اند، به همان اندازه روشن و مبرهن است.

ایران به پیروزی قطعی رسیده است. تاروزیکه طبقات طاغوتی با زیربنای اقتصادی و امکانات آشکار و نهان سیاسی وجود دارند، پایه ها و محمل های اجتماعی و خواهد داشت و امکان احیای نهادهای شیبه طاغوت نیز وجود خواهد داشت و امکان احیای نهادهای طاغوتی و از جمله ستم ملی موجود خواهد بود. رانجا بود که امام رهنش و روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرده از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تداوم انقلاب ایران بماند آمد و شکل گرفت و بشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از ایپایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوامع گم شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تا آخر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حساس رس نوشتن ساز تاریخ ایران وظیفه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توش و توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی کمک کنند و منشاء اجتماعی - اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

ثانیاً - رشد مناسبات سرمایه داری در ایران از همان آغاز بطور عمده بر مبنای کمپرادورسیم، یعنی دلالتی برای سرمایه های استعماری و امپریالیستی قرار داشت و از استقلال سیاسی و اقتصادی محروم بود. کمپرادورسیم وابستگی به سرمایه انحصاری امپریالیستی، که یکی از عمده ترین ویژگی های رشد سرمایه داری در ایران بود، گرچه در آغاز بخش نسبتاً کوچکی از سرمایه داری ایران را در بر میگرفت، ولی با گذشت زمان وسعت و عمق بیشتری می یافت و بخش هر چه بزرگتری از سرمایه داری ایران را از استقلال ملی محروم میساخت. بخش هر چه بزرگتری از این سرمایه داری، بجای شرکت در مبارزه برای استقلال و آزادی ملی علیه استعمار امپریالیسم، به آورنده و حامل سلطه استعمار امپریالیسم به ایران مبدل می گردید.

جیش آزادی بخش ملی و دموکراتیک کردستان در سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۵ در آن محمدرشاه مخلوع واحد قوام و حاجلی رزم آرا فقط با تصمیم و نیروی خود سرکوب نکردند، بلکه دستور و وسائل امپریالیستهای آمریکا و انگلیس نیز در این جنبش تاریخی آنها نقش اساسی بازی کرد. حکومت ملی و دموکراتیک کردستان به همراهی حکومت ملی و دموکراتیک آذربایجان که تأمین استقلال و آزادی ایران و رهایی خلقی از ستم اجتماعی و ستم ملی در سرتسوحه بر نامه آنها قرار داشت، با حکومت آنزوی که شاه مخلوع و قوام در رأس آن قرار داشتند، پس از مذاکرات، قراردادی مرکب از ۱۴ ماده امضاء کردند که در آن حکومت مرکزی حکومتهای ملی و دموکراتیک کردستان و آذربایجان را، پس از تصدیقات، بر رسمیت شناخت و متعهد شد که دموکراسی موجود در کردستان و آذربایجان را در سراسر ایران تسیم بخشد، ولی این قرارداد ضامن اجرا نداشت، زیرا حکومت مرکزی ایران بر ستمداری شاه مخلوع و قوام همچنان در خدمت امپریالیسم بود و طبقات سرمایه دار بزرگ و مالک بزرگ ایران، که شاه مخلوع و قوام نمایندگ آنها بودند، با تمام موجودیت خود با امپریالیسم وابسته بودند و برای مقابله با جنبش کارگری و آزادی بخش ملی خلقهای ایران با عین هر چه بیشتری دست استمداد بدامن امپریالیسم دراز می کردند و برای حفظ منافع غارتگرانه خود و ادبایشان آماده هر گونه خیانت و جنایت بودند.

ایران به پیروزی قطعی رسیده است. تاروزیکه طبقات طاغوتی با زیربنای اقتصادی و امکانات آشکار و نهان سیاسی وجود دارند، پایه ها و محمل های اجتماعی و خواهد داشت و امکان احیای نهادهای شیبه طاغوت نیز وجود خواهد داشت و امکان احیای نهادهای طاغوتی و از جمله ستم ملی موجود خواهد بود. رانجا بود که امام رهنش و روشن بین انقلاب ایران، «انقلاب دوم» را اعلام کرده از انقلاب اول «بزرگتر و عمیق تر» است. در اینجا بود که «خط امام» به مثابه محور اصلی تداوم انقلاب ایران بماند آمد و شکل گرفت و بشمار مردم مبدل شد. محتوی اصلی و واقعی «خط امام» عبارتست از ایپایان رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و رها شدن این انقلاب از خطر قهقرا و جوامع گم شدن. این انقلاب اگر بخواهد به محتوی خود تا آخر صادق باشد، باید سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و کلیه وابستگان امپریالیسم را در ایران از قدرت سیاسی و اقتصادی بطور قطعی و نهائی محروم سازد. یعنی «خط امام» خطی است که مستقیماً علیه امپریالیسم و علیه بورژوازی وابسته ایران - بورژوازی شونیست ایران متوجه است. آید در چنین مرحله حساس رس نوشتن ساز تاریخ ایران وظیفه همه خلقهای مظلوم ایران نیست که باتمام توش و توان خود باین نبرد بزرگ تاریخی کمک کنند و منشاء اجتماعی - اقتصادی ستم ملی را که بورژوازی وابسته و شونیست ایران تسلط امپریالیسم است، نیست و نابود سازد و لذا باتمام نیرو و امکانات خود به «خط امام» پیوندند.

با انکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

